

مجموعه درس ولرز

# راز مجموعه سرخ

نویسنده: آر. ال. استاین

مترجم: شهره نور صالحی





اسم من ویلیام دیپِ پسر است، در شهر بالتیمورِ ایالت  
مریلند زندگی می‌کنم و می‌میرم برای ماجراجویی.  
آدم‌هایی که خیال می‌کنند من یک پسر بچهٔ دوازده  
سالهٔ معمولی هستم، بیلی صدایم می‌کنند.  
اما آن چند نفری که مرا خیلی خوب می‌شناسند، مرا  
به اسم مخفی‌ام صدا می‌کنند: اعجوبهٔ دریا.  
«خطر» برای من نقش صبحانه را دارد و حتماً باید روزم  
را با یک کاسه خطرِ سالم و لازم و کافی شروع کنم.  
الان وسط اقیانوس هستم. البته که تاریک و خطرناک

است، اما می‌دانید من به اینجا چه می‌گویم؟  
خانه.

الان دارم شناکنان از جزیره کاریبو، یک جزیره ماسه‌ای کوچک تو دریای کارائیب، دور می‌شوم. از پشت ماسک مادون قرمز، مستقیم روبه‌رویم را نگاه می‌کنم. باله‌های تیزم که با اشعه لیزر هدایت می‌شوند، با سرعت آب را می‌شکافند و مرا جلو می‌برند.

در تعقیب یک گله فرشته‌ماهی نقره‌ای هستم که مثل الماس تو آب می‌درخشند. ظاهراً اصلاً حواسشان نیست که چه خطری (یعنی مخلصان) بیخ گوش‌شان شنا می‌کند. اما حسگرهای من کاملاً گوش به زنگند. هیچ موجود شرور و بدجنس زیرآبی نمی‌تواند از دست من فرار کند.

شاید بعضی از ماجراهای من به خاطرتان بیاید. من همان کسی هستم که سندی، مرکب ماهی<sup>(۱)</sup> را شکست داد. سندی اسم خودش را گذاشته بود «سرپای پولادین» و کارش این

بود که شناگرها را آن قدر قلقلک بدهد که بمیرند. مخلصان ده‌تا پایش را به هم گره زد که دیگر از این غلط‌ها نکند.

«پری خشمگین» خلیج هونولولو یادتان هست؟ حالا دیگر خشمگین نیست، چون من حالش را گرفته‌ام. «جو»، خارماهی سمی<sup>(۲)</sup> سفید، چی؟ بعد از اینکه اعجوبه دریاگوشمالی اش داد، خارش را گذاشت لای باله‌هایش و زد به چاک!

«لاک‌پشت وحشت‌آفرین» که کارش گاز گرفتن بود؟ او را هم بعد از سه روز نبرد زیر آبی، انداختم تو کاسه سوپ. اسم جدیدش را می‌دانید؟ خوشمزه! آره، من خشن و قلدرم، اما این آب‌ها هم جای خطرناکی است.

الان هم می‌روم که با خطرناک‌ترین دشمنم، یعنی مارماهی برقی<sup>(۳)</sup> سفید، دست و پنجه نرم کنم. تو همه دنیا فقط همین یکی باقی مانده.

---

۱. Stingray، نوعی ماهی چهارگوش، که دم شلاق‌مانندی دارد و مهره پشتش به شکل خار بلند و زهرآلودی از پشتش بیرون زده.  
۲. Electric Eel، نوعی مارماهی که موقع احساس خطر، جریان الکتریسیته قوی از بدنش خارج می‌کند.

---

۱. نوعی ماهی شبیه به هشت‌پا و از تیره «سرپایان» یعنی ماهی‌هایی که بدن ندارند و دست و پایشان مستقیم به سر چسبیده است.